

دانش‌آموزان و معلمان، درگیر افسردگی پنهان

«از نظر تربیتی هم یک افسردگی پنهان اتفاق افتاده است. افسردگی پنهان اول برای خانواده‌ها است.



«از نظر تربیتی هم یک افسردگی پنهان اتفاق افتاده است. افسردگی پنهان اول برای خانواده‌ها است. پدر و مادر هر سه افسرده شدند ... یک افسردگی پنهان هم برای معلمان اتفاق افتاده است؛ چرا که معلمان نشاط و شادابی شان در مواجهه با دانش‌آموزان است.»

به گزارش ایسنا، روزنامه ایران نوشت: «برنامه مدارس برای آموزش‌های حضوری چیست؟ این سؤال پرتکرار این روزهای خانواده‌های دانش‌آموزانی است که هنوز نمی‌دانند که برنامه آموزشی سال تحصیلی فرزندان شان چگونه است. مدیران آموزش و پرورش بارها اعلام کردند که آموزش از آبان ماه حضوری خواهد شد و درهای مدارس هم بعد از یک سال و نیم بسته ماندن به روی دانش‌آموزان باز می‌شود. در کنار این صحبت‌ها این خانواده‌ها هستند که همچنان نگرانند و این سؤال را می‌پرسند که آیا کرونا دلتا خطری برای دانش‌آموزان شان ندارد یا مدارس به امکانات بهداشتی برای شرایط کرونایی مجهز شده است؟ سؤالاتی که مهدی نوید ادهم، مشاور وزیر آموزش و پرورش به آن پاسخ می‌دهد:

یکی از موضوعات مهم این روزها بحث تحصیل حضوری یا مجازی دانش‌آموزان است. وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده است که از آبان امسال درهای مدارس روی دانش‌آموزان باز خواهد شد. شما در شورای آموزش و پرورش به چه نتایجی در ارتباط با بازگشایی مدارس و آموزش حضوری دانش‌آموزان رسیده‌اید؟

موضوع خانه نشینی یک ساله دانش‌آموزان را از زوایای مختلف بررسی کردیم. وقتی از منظر کارکرد مدرسه به این موضوع نگاه می‌کنیم، بازگشایی مدارس برای ما به شدت ضروری است. کارکرد مدرسه فقط در آموزش، انتقال معلومات و محفوظات به دانش‌آموز نیست. اگر تصور این باشد که در مدرسه دانش‌آموز کتاب‌های درسی را می‌خواند و معلم فقط محتوای کتاب‌های درسی را به دانش‌آموزان انتقال می‌دهد، در این شرایط سؤال پیش می‌آید چرا باید در دوران کرونا دانش‌آموز لزوماً به مدرسه برود؛ آن هم در صورتی که مدارس می‌توانند از طریق شبکه شاد، تلویزیون و فضای مجازی این آموزش را منتقل کنند. برای همین ما کارکرد مدرسه را فراتر از خود [انتقال] دانش و معلومات می‌بینیم و به مفهوم دقیق کلمه باید به تربیت بچه‌ها هم بیندیشیم. همان تعریفی که سند تحول بنیادین از تعلیم و تربیت دارد، فراهم کردن زمینه رشد و شکوفایی استعدادها دانش‌آموزان در همه حوزه‌ها است. درس دادن و درس خواندن به این معنا نیست که فقط کتاب را دانش‌آموزان یاد بگیرند. یادگیری با روش‌های مختلف انجام می‌شود و از این منظر دانش‌آموزان حتماً باید در مدرسه باشند. خانواده‌ها دقت کنند که روابط اجتماعی در مدرسه اتفاق می‌افتد. دانش‌آموز رابطه اجتماعی را در ارتباط با خواهر و برادرش یاد نمی‌گیرد. صبوری کردن، تحمل دیگران، گفت‌وگو، ارتباطات اجتماعی و مسئولیت اجتماعی فقط با حضور در مدرسه برای دانش‌آموز رقم می‌خورد.

پس شما هم موافق پایان یک سال و نیم خانه نشینی دانش‌آموزان هستید. البته خانواده‌ها هم از این وضعیت خسته شده‌اند و می‌گویند آموزش مجازی باعث افت تحصیلی دانش‌آموزان شان شده است. آیا در بررسی‌ها به این موضوع رسیده‌اید؟

دو تعبیر را در این ایام به کار برده‌ام. یک شواهد مختلف وجود دارد که نشان می‌دهد یک بی‌سوادی پنهان اتفاق افتاده است. بچه‌ها درس خواندند و امتحان هم گرفتیم اما یادگیری آنچنان که باید و شاید اتفاق نیفتاده است. بیشتر دانش‌آموزان افت تحصیلی داشتند و عده‌ای از دانش‌آموزان هم از چرخه تحصیل خارج شدند. برخی از دانش‌آموزان نتوانستند از شاد و برنامه‌های تلویزیونی استفاده کنند. از درسنامه‌ها هم استفاده نکردند. این فقط مخصوص کشور ما نیست. آموزش و پرورش از نظر کمی و کیفی آسیب دیده است و آموزش‌ها عمق نداشته. لذا ما می‌گوییم بی‌سوادی پنهان در بین دانش‌آموزان داریم. از نظر تربیتی هم یک افسردگی پنهان اتفاق افتاده است. افسردگی پنهان اول برای خانواده‌ها است. دانش‌آموز، پدر و مادر هر سه افسرده شدند. خانواده‌ها به شدت مراقبت کردند تا دانش‌آموزان در محیط‌های جمعی و عمومی حضور پیدا نکنند و آنها هم از صبح تا غروب در خانه بودند. همین موضوع خستگی پنهانی را برای دانش‌آموز و پدر و مادر به وجود آورد و نشاط را از آنها گرفته است. یک افسردگی پنهان هم برای معلمان اتفاق افتاده است؛ چرا که معلمان نشاط و شادابی شان در مواجهه با دانش‌آموزان است. آموزش برای معلم چهره به چهره است. معلم وقتی احساس کند دانش‌آموز مطلب را یاد گرفته است و این یادگیری را در چهره او ببیند، سر ذوق می‌آید. آنجاست که فکر می‌کند زحماتش به بار نشست است. در دوران کرونا این ارتباط قطع شد. معلمان با موبایل و تبلت در ارتباط بودند. لذا روابط انسانی به حداقل رسید و آن حس شادابی که با دیدن نشاط دانش‌آموز به معلم دست می‌دهد، با دیدن روی صفحه موبایل و لپ‌تاپ به دست نمی‌آید، لذا معلم هم خسته شده و دچار افسردگی پنهان

است.

خانواده‌ها نگرانی دارند و می‌گویند کرونا دلتا کودکان را هم درگیر می‌کند. چگونه می‌توانیم در این شرایط دانش‌آموزان را راهی مدرسه کنیم. آیا وزارتخانه تمهیداتی در نظر گرفته است که چگونه دانش‌آموزان در کلاس درس حاضر شوند؟

با خیزی که دولت برداشته است و شتابی که در واکسیناسیون به وجود آمده است، امیدواریم بتوانیم در آبان ماه درهای مدارس را باز کنیم. البته این آموزش‌ها با رعایت پروتکل‌های بهداشتی و فاصله‌گذاری اجتماعی است. باید پدرها و مادرها همراهی کنند تا دانش‌آموزان به مدرسه بیایند. ما در نظرسنجی‌هایی که از خانواده‌ها داشتیم، به این نتیجه رسیدیم که این آمادگی در خانواده‌ها وجود ندارد. خانواده‌ها بدانند که در شیوه‌نامه‌های بازگشایی اصول بهداشتی را در دستور کار قرار دادیم. مثلاً کلاس درس نباید پرجمعیت باشد. تعداد دانش‌آموزان را مشخص کردیم. فاصله‌میز و صندلی‌ها یک و نیم متر تا دو متر خواهد بود. مواد ضدعفونی‌کننده در مدارس باید وجود داشته باشد. اینها را سعی کردیم تهیه کنیم. اگر خانواده‌ها همراهی کنند.

چرا درباره بازگشایی‌ها وزارت آموزش و پرورش زودتر اطلاع‌رسانی نکرده است؟ چرا مدیران مدارس درباره حضور دانش‌آموزان در مدرسه با خانواده‌ها حرف نمی‌زنند؟ هم‌اکنون پدرها و مادرها فکر می‌کنند که دانش‌آموزان شان به مدرسه می‌آیند با کلاس‌های شلوغ و زنگ تفریح و آن‌هیاهوی مدرسه روبه‌رو هستند. مردم دقیقاً نمی‌دانند که برنامه آموزش و پرورش چیست؟

آموزش و پرورش آرام‌آرام و با فاصله اجتماعی مدارس را باز می‌کند. البته این نگرانی خانواده‌ها نیست. مدیران، معلمان و مسئولان آموزش و پرورش دغدغه سلامت بچه‌ها را دارند. ما پروتکل‌های ستاد کرونا را اجرایی می‌کنیم و سعی می‌کنیم محیط را آماده کنیم. به هیچ وجه هیچ دستورالعملی نداشتیم و نداریم که مثل سابق شنبه صبح ساعت ۸ همه بچه‌ها به مدرسه بیایند. هم‌زمان سر صف باشند و هم‌زمان هم از آن راهروهای تنگ و تاریک مدرسه به سمت کلاس حرکت کنند. به هیچ وجه این سیاست ما نیست. حداقل دانش‌آموز باید در مدرسه باشد. در روزهای فرد و زوج دانش‌آموزان تقسیم می‌شوند یک‌ساعت در ۸ تا ۱۰ به مدرسه می‌روند برخی‌ها هم از ساعت ۱۰ تا ۱۲. این برنامه هم برای این است که درهای مدارس باز باشد.